گزارش خبر
NEWSREPORT
کد خبر: ۴۵۹۸۶۸
سه شنبه ۹ خرداد ۱۴۰۲ ۹:۰۲

مقداد جلالی ، از تجربه ساخت فیلم «تنگه» میگوید

هم زمان با اولین نمایش جهانی فیلم تنگه به نویسندگی و کارگردانی مقداد جلالی در چهل و پنجمین دوره جشنواره بین المللی فیلم مسکو، گفتگویی با نویسنده و کارگردان این اثر منتشر شد.این اثر روایت کننده داستان دو پسر نوجوان است که از راهی غیر معمول برای رسیدن به ثروت تلاش میکنند و ساختار اصلی آن با هسته ای مرکزی به نام تقدیر در هم تنیده شده است.

به گزارش خبر، هم زمان با اولین نمایش جهانی فیلم تنگه به نویسندگی و کارگردانی مقداد جلالی در چهل و پنجمین دوره جشنواره بین المللی فیلم مسکو، گفتگویی با نویسنده و کارگردان این اثر منتشر شد.این اثر روایت کننده داستان دو پسر نوجوان است که از راهی غیر معمول برای رسیدن به ثروت تلاش میکنند و ساختار اصلی آن با هسته ای مرکزی به نام تقدیر در هم تنیده شده است. فیلم تنگه در دو نوبت اکران (۲ و ۴ اردیبهشت ماه) در سالن یازده اکتبر مسکو، کاخ اصلی جشنواره و بزرگ ترین مجموعه سینمایی این کشور با ظرفیت نمایش برای بیش از ۱۵۰۰ نفر در هر سانس بر روی پرده رفت.

لطفا درباره ایده و شکل گیری داستان فیلم برای ما بگویید.

گاهی شما زیاد تلاش میکنید و به خواسته خود نمیرسید. گاهی بارها آرزو میکنید و از رویاهای خود دور میشود. در واقع هیچ راه تضمین شده ای برای آنکه شما به تمام چیزی که میخواهید برسید وجود ندارد. یادم می آید قدیمی تر ها، که بنظرم انسان های بسیار معتقد تری هم بوده اند، زمانی که به خواسته و چیزی نمیرسیدم به من میگفتند، ناراحت نباش ! حتما در تقدیر تو نبوده. یا اینکه چرا غصه میخوری ؟، حتما در نرسیدن به آن خیری وجود داشته. مدت ها قبل از طریق دوستی با قانون جاذبه آشنا شده بودم. آرزویی را بارها تکرار میکردم تا بلکه به آن برسم. در کمال تعجب این روند تا حدودی بصورت بسیار سریع نتیجه بخش بود. تا جایی که بعد از چند بار اثر گذاری های دست و پا شکسته، در نهایت از کار افتاد! و کار نکرد که نکرد ...

در هر حال همواره تناقضی برای من در تمام سالیان زندگی شکل گرفت. اینکه آیا ما با آرزو کردن، تکرار آن و فکر کردن به رویاها میتوانیم خوشبختی را به خانه بیاوریم؟ یا تقدیر ما از پیش تعیین شده و نمیتوانیم در برابر آن بجنگیم و باید تسلیم اراده سرنوشت باشیم. هر چند فیلمنامه تنگه یک داستان کاملاَ چند وجهی درباره روابط دوستانه، درون خانوادگی و معضلات اجتماعی پیش رو کودکان و نوجوانان است، اما پایه و پیکره ایده اولیه آن بر اساس نگرش ذکر شده بنا شده است. این سوال الهام بخش من برای نگارش فیلمنامه تنگه بوده است.

تنگه، چرا این نام را برای فیلم انتخاب کردید ؟

در واقع تنگه جمعی از تنگنا است. شخصیت های داستان بصورت مداوم در تنگناهای فیزیکی، احساسی و اجتماعی قرار میگیرند. این نام با توجه به محتوی فیلمنامه انتخاب شد. به نوعی بیانگر فشارهایی است که به آنها از طریق انتخاب هایشان و عوامل بیرونی یا درونی وارد میشود. ضمن اینکه یکی از لوکیشن های کلیدی فیلم با همین نام "تنگه" در جغرافیا محل کار من وجود داشت که این ذهنیت را در من تقویت کرد.

آیا داستان تنگه در دنیای واقعی نیز اتفاق می افتد ؟

البته، اینگونه موارد چیزی است که در دنیای مدرن امروزی حتی در حال افزایش است. حفاران در شبکه های اجتماعی گروه های مختلفی تشکیل داده اند و سعی در راهنمایی یکدیگر دارند. حتی اساتیدی مشغول به تدریس گنج یابی بصورت سنتی هستند. مطمئن هستم اگر تنها چند دقیقه وقت صرف جستجو در اینترنت نمایید میتوانید با یکی از این گروه ها آشنا شوید. من حتی شخصاً با تعدادی از این افراد صحبت کردم تا با نگرش آنها و نحوه فعالیت هایی که داشتند آشنا شوم. البته باید به این نکته اشاره کرد که این موضوع تنها به عنوان عامل ای استفاده شده تا به روند زندگی پردردسر بچه ها پرداخته شود و به نوعی خط داستانی را پیش میبرد. در واقع ما وارد جزئیات این رویداد نمیشویم.

در ادامه مقداد جلالی افزود :

باید بگویم، فیلمنامه تنگه بر اساس برداشتی از شرایط واقعی حاکم بر زندگی گروهی از مردم ایران نوشته شده است. مردمانی که سالها است بصورت پنهانی با همراهی جمعی از دوستان، اعضای خانواده یا حتی غریبه ها برای یافتن اشیاء باستانی راهی طبیعت یا مکان های باستانی میشوند. پر واضح است نوجوانان و کودکان نیز با توجه به شرایط سنی و نداشتن چشم انداز واقعی و درست از مسیر پیش رو، با شنیدن داستان هایی از ثروت مند شدن انسان ها از طریق رسیدن به گنجینه های مدفون شده، وسوسه شده و برای رفع نیازهای مادی خود راه در مسیری پر خطر میگذارند. آنها از محیط پیرامون خود درس میگیرند و این ما هستیم که باید مراقب باشیم چه چیزی در اختیار آنها قرار میدهیم. خب احمد و رضا کاراکترهای داستان ما، دقیقا مثالی از این افراد هستند. آنها دشواری های مربوط به خود را دارند و با انگیزه هایی شخصی برای رسیدن به خوشبختی تلاش میکنند.

آقای مقداد جلالی، در داستان تنگه ما شاهد روایتی چند وجهی هستیم. آیا در فیلم کوتاه این عادی است ؟

این کاملا به این بستگی دارد که شما چقدر خودتان را محدود می کنید. آیا می بایست یک فیلم کوتاه لزوماً یک خط داستانی مستقیم داشته باشد؟ یا

یک تعریف خاص داشته باشیم؟ نه من اینطور فکر نمیکنم. ما داستانی داشتیم که ظرفیت ارائه آن از دید من حدودا ۳۰ دقیقه بود. پس آن را به شکلی که فکر میکردم درست است ساختم. فیلم کوتاه قواعدی دارد اما عمدتاً برای من تفاوت فیلم کوتاه یا سینمایی در زمان خلاصه میشود. ما میتوانیم یک فیلم کوتاه با آغاز، نقطه میانی و پرده پایانی داشته باشیم. در این مسیر از زوایا گوناگون عناصر داستانی و روابط شخصیت ها را بررسی کنیم و حرفی که میخواهیم را به مخاطب بگوییم، حتی اگر نحوه روایت کردن داستان ما متفاوت باشد.

چطور به انتخاب بازیگران برای شخصیت احمد و رضا رسیدید ؟ کار کردن با آنها چگونه بود ؟

صادقانه باید اعتراف کنم این مرحله برای من بسیار دشوار بود. وقتی قرار است فیلمی در لوکیشن های دشوار خارجی و متعدد بسازید، انتخاب بازیگر نوجوان کمی وسواس گونه میشود. این که آنها تا چه میزان تطبیق پذیری با شرایط جدید داشته باشند خیلی مهم است. من تصمیم گرفتم از افراد بومی برای این دو کاراکتر استفاده کنم. بنابر این مجبور به انتشار فراخوان در شبکه های محلی شدیم. ما با ۲۷۰ نوجوان در دو مرحله مصاحبه انجام دادیم و در نهایت سینا ابراهیمی (احمد) و نیکان جعفرآقایی (رضا) انتخاب شدند. خب هیچ یک از این دو نفر پیش از این سابقه ای در زمینه بازیگری نداشتند. در زمان کمی که داشتیم باید به آنها آرامش و اعتماد به نفس میدادیم، باید در یک بازه زمانی کوتاه آنها را به فرم ایده ال میرساندیم، این کاری بود که با کمک دستیاران ام، بویژه آقای عبدالله بیگی به بهترین نحو انجام شد.

من از کارکردن با هردو آنها بسیار خرسندم. البته که نباید از آنها انتظار داشت در اولین حضور مقابل دوربین در حد یک سوپراستار سینما ظاهر شوند. اما آنها در بسیاری از لحظات با توانایی هایشان من را سورپرایز کردند.

از همکاری با سوپراستار سینما بابک کریمی بگویید. همکاری با ایشان چطور ممکن شد ؟

حضور بابک کریمی در کنار ما یک موهبت بود. من از اولین روزهای نگارش فیلمنامه به ایشان برای کاراکتر هاشم دادا فکر میکردم و متن را عملاً برای ایشان نوشتم. با اینکه پیش از این تابحال شانسی برای همکاری بین ما به وجود نیامده بود اما همه چیز به بهترین شکل و سریع ترین حالت ممکن پیشرفت تا بتوانیم از حضور ایشان بهره مند شویم. من ایشان را برای روح بزرگ و اخلاق حرفه ایشان تحسین میکنم. ما دقیقا به همان هاشم دادا ای که در داستان نیاز داشتیم رسیدیم. چه چیزی بهتر از این میتواند باشد ؟

شما اعلام کردید ایده اولیه فیلمنامه بر اساس آشنایی شما با قانون جذب شکل گرفت. بیشتر در این باره بگویید.

دقیقاً. من زمانی با این فرآیند آشنا شدم و تمامی دستورالعمل ها را به شکل مرتب اجرا کردم. نیاز و خواسته ام را بارها تکرار میکردم و آن را از کائنات دریافت میکردم. این برای من بسیار عجیب بود، چرا که هربار به نتیجه لازم میرسیدم یا حداقل در بخشی از آن موفق بودم. اما این پروسه جایی بصورت کامل از کار افتاد ! به دنبال راه حلی برای درمان این مشکل گشتم و در این مسیر متوجه شدم، مردم زیادی از این طریق سعی در رسیدن به آرزوهایشان میکنند. در نهایت باید بگویم نمیدانم این پروسه تا چه حدی درست است، اما این پارادوکسی بود که باعث شد اولین جرقه درباره شروع داستان تنگه در ذهن من پدیدار شود. نقاط مشترک زیادی بین حفاران و رویاهایشان با قانون جاذبه وجود داشت و فهمیدم بسیاری از آنها (حتی ندانسته) سعی در استفاده از این قوانین دارند تا با کائنات ارتباط برقرار کنند.

در ابتدای فیلم جمله ای را رضا بارها تکرار میکند : (سلامتی، شادی، ثروت)، و به احمد میگوید این را از پدرش یادگرفته تا بتواند به آرزوهایش برسد. اما آخر داستان چه میشود؟، چرا اتفاق نمی افتد؟، شاید با خلوص نیت و ایمان قوی آن را به زبان نیاورده است؟ یا لحظه ای که از ته دل آرزو میکند جای مرده ها باشد، انرژی قدرتمند تری به کائنات فرستاده؟ در نهایت هیچ کسی نمیداند واقعا پاسخ درست به این سوالات چیست.

آیا کاراکتر کمال (با بازی صمد آذرخش) آنتاگونیست داستان است ؟

شاید، این بسته به نوع همذات پنداری مخاطب با شخصیت کمال دارد. این که او تا چه میزان نقش منفی داستان است یا تا چه حد مقصر است را باید مخاطب تعیین کند. از نظر من او کاملا خاکستری است. کمال هم مانند هر انسان دیگری جنبه هایی از صفات خوب و بد دارد. من تا حد زیادی برای او دلسوزی میکنم. آیا او یک کلاه بردار و شارلاتان به تمام معناست؟ خب اینطور بنظر میرسد. اما چه چیزی او را به این مسیر کشانده است؟ به آن کمی فکر کنید.

کمال از فرصت های ایجاد شده سواستفاده میکند. از ضعف و طمع بچه ها استفاده میکند تا چیزی عاید اش شود. او به نوعی میخواهد شکست هایش را از این طریق جبران کند. از هاشم انتقام بگیرد و درسی به بچه ها بدهد تا در بازی گرگ ها از خودشان محافظت کنند. از دید او این فریبکاری میتواند علاوه بر کسب پول برای او، فرصتی برای یادگیری برای احمد و رضا باشد. در نقطه ای پشیمان میشود، سعی میکند به انسان بهتری تبدیل شود. از مکر و حیله گری برای ترساندن و برگرداندن بچه ها استفاده میکند اما دیگر دیر شده است.

چرا فرصت بازگشت به بچه ها داده نشد؟ چرا باید پایان داستان آنها تا این میزان تلخ باشد.

احمد و رضا بارها فرصت و شانس تغییر مسیر داشتند اما هر بار استمرار بیشتری برای ادامه این راه به خرج دادند.

من فکر میکنم باید صادقانه این داستان را تعریف کرد. عواقب آن را نمایش داد و مردم را از مخاطراتی که ممکن است فرزندانشان را تهدید کند آگاه کرد. در دنیای واقعی نیز بارها و بارها شاهد اینگونه حوادث ناگوار بوده ایم. اگر به اخبار حوادث گنج یابی نگاهی بی اندازید، متوجه میشوید این رویداد بارها در سال برای افرادی مانند احمد و رضا به شیوه هایی متفاوت رقم میخورد. باید با آگاهی بخشیدن جلوی این مسائل گرفته شود.

از سینماتوگرافی فیلم بگویید. تمجید از فرم بصری تقریباً نقطه مشترک تمام مخاطبان پس از تماشای فیلم در جشنواره بود. همکاری با وحید ابراهیمی (مدیر فیلمبرداری) را چطور ارزیابی میکنید ؟

همکاری با وحید. این چیزی است که آرزو میکنم همیشه داشته باشم. این درست است که من عاشق سینماتوگرافر ام هستم و این از رابطه عمیق من با تصویر می آید. اولین نفری که به تیم ما اضافه شد وحید بود. او به عنوان مدیرفیلمبرداری در پروژه سینمایی موقعیت مهدی مشغول به کار بود. با روی گشاده پاسخ داد و یک ماه بعد اولین دیدارمان شکل گرفت. من خیلی مشتاقانه ایده هایم را مطرح کردم و به سرعت توانستیم به نقاط مشترک دست پیدا کنیم. همه چیز خیلی ساده پیشرفت اما مطمئن هستم از پس کار بسیار دشواری برآمدیم.

در زمینه بصری، سعی بر این بوده تا به یک استاندارد مناسب برای به تصویر درآوردن داستان برسیم. همواره در فیلم های مستقل رسیدن به ایده ال ها دشوار است. کمبود منابع و عدم دسترسی به تجهیزات روز به دلیل عدم موجودی کافی در کشور از مهمترین مشکلات موجود است. با توجه به اینکه فیلمنامه بیانگر داستانی شخصیت بر محیط می باشد، نیازمند نمایش بخش قابل توجهی از محیط اطراف کاراکترها (حتی در پلان های چند نفره) بودیم. مسائله ای که کاملا روشن است، حضور و ضربه زدن از سوی این افراد به محیط زیست و طبیعت می باشد. بنابر این بنظرم به نحوی باید این حس که در این لحظه موجوداتی اضافی در این محیط حضور دارند منتقل میشد. همچنین برای ایجاد حس نزدیکی مخاطب به شخصیت های اصلی داستان انتخاب ما استفاده از دوربین ARRI ALEXA MINI LF در گیت ۲.۳۹:۱ بود. خب، معمولا بچه ها تا سن ۹ یا ۱۰ سالگی دنیای اطراف رو کمی اغراق شده تر میبینند. مثلا عرض و ارتفاع محیط ممکنه بیشتر از اون چیزی که واقعا هست براشون به نظر برسه. اما تو سن ۱۴-۱۵ سالگی که احمد و رضا هم همین سن رو دارند عنصر ارتفاع تا حد زیادی به واقعیت نزدیک میشه اما همچنان جهان براشون وسیع تر به نظر میرسه. خب این چیزی بود که دوست داشتم بهش برسیم. در واقع تمام تلاش من به عنوان کارگردان با همراهی مدیر فیلمبرداری و گروه طراحی صحنه حرکت در راستای نیازهای داستان و فیلمنامه بوده است. به همین دلیل بخش قابل توجهی از احساسات و داستان از طریق اشیاء صحنه، موتیف ها، نور و ترکیب بندی منتقل خواهد شد.

در نهایت از این بازخورد مثبت خیلی خوشحالم. این توجه از سوی مخاطب در رابطه با جنبه های گوناگون فیلم، خصوصاً موسیقی متنِ اثر ساخته آقای ستار اورکی نیز صادق بوده و برای من بسیار ارزشمند است.

فضای فیلم کوتاه محل مناسبی برای تجربه، تعریف متفاوتی از داستان سرایی و نمایش المان های بصری و مفهومی خواهد بود که قطعا در فضای فیلم های سینمایی این گونه داستان روایی با توجه به طیف گسترده تر مخاطب، در دوران کنونی شاید دارای ریسک بنظر برسد.

در مورد شرایط تولید و هزینه های فیلم کوتاه برایمان بگویید. در این مسیر چه کمک هایی به شما انجام شد ؟

در حال حاضر شرایط تولید فیلم بصورت مستقل بسیار دشوار شده است. اکثر ما این روزها، فشارهای اقتصادی را تجربه کرده ایم. من هم از این قاعده جدا نبوده و با دشواری از منابع شخصی هزینه های تولید فیلم را فراهم کردم. در کشور منابع و کمک های مالی چندانی در حوزه تولید فیلم کوتاه حرفه ای وجود ندارد و تنها بصورت دوره ای برخی ارگان ها از فیلمسازان حمایت میکنند. البته که انجمن سینمای جوانان حمایت های مناسبی طی سالیان گذشته از بچه های فیلم کوتاه داشته است، اما در هر صورت ظرفیت استفاده از این منابع محدود است.

هرچند که در زمینه فاند مالی حمایتی دریافت نداشتیم اما همیاری های بسیار مناسبی از سوی برخی سازمان ها همچون اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی، فرمانداری شهرستان شاهرود و سازمان میراث فرهنگی استان سمنان با ما انجام شد. همچنین جای دارد از جناب آقای مجتبی فیروزآبادی مسئول دفتر انجمن سینمای جوانان ایران دفتر شاهرود نیز کمال تقدیر و تشکر را داشته باشم که جهت تسهیل انجام امور در تمامی مراحل با بنده و همکاران مساعدت داشتند.

برای آینده چه برنامه ای دارید ؟

در حال حاضر مشغول نگارش دو فیلمنامه هستم. یک فیلمنامه کوتاه که اقتباسی ادبی است و یک فیلمنامه سینمایی اورجینال ۱۲۰ دقیقه ای.